

معانی عبارت «مِنْ دُونِ اللَّهِ» در قرآن با رهیافت گونه‌های اضافه کلمه «دُونِ»

رقیه مدینه دارابی^۱

علیرضا رادبین^۲

احمد امیری بناب^۳

تاریخ دریافت: ۱۴۰۴/۰۲/۲۷ تاریخ پذیرش: ۱۴۰۳/۰۳/۰۸، صفحه ۱۰۳ تا ۱۲۳ (مقاله پژوهشی)

چکیده

یکی از اصطلاحات تحرک‌نمای فکری در قرآن، عبارت «مِنْ دُونِ اللَّهِ» است. تحقیق حاضر با تکیه بر قرآن ابتدا اشاره اجمالی به بررسی مفهومی کلمه «دُون» کرده سپس با استناد به آیات، اقسام آن را تبیین می‌کند. و با هدف پاسخ‌دهی به شبهات آئین سلفی‌گری، در مورد نحوه سوء برداشت آنان از معانی این اصطلاح قرآنی، آیات مذکور را ارزیابی می‌کند. این پژوهش به روش (توصیفی-تحلیلی) گردآوری شده تا با غور در آیات، معانی حقیقی قید «مِنْ دُونِ اللَّهِ» را از حیث کیفی و کمی، با تاکید بر انواع مضاف‌الیه برای کلمه «دُون» بدست آورد. لذا بر اساس تحلیل نحوی و قرائن متصله آیات، این ترکیب قرآنی، گاهی مبین معانی در قالب مباحث (عبادی)، (شفاعت)، (قرب و بُعد)، (توسل) در قالب امثال گوناگون مشروع و غیر مشروع، و (ولایت)، مشخص می‌گردد.

کلیدواژه‌ها: قرآن، کلمه «دُون»، گونه‌های زائد واژه «دُون»، ویژگیهای «مِنْ دُونِ اللَّهِ»، وهابیت.

۱. دانشجوی دکتری الهیات و معارف اسلامی، گروه علوم قرآن و حدیث، دانشکده الهیات و حقوق و علوم سیاسی،

واحد تبریز، دانشگاه آزاد اسلامی، تبریز، ایران: tbzac.ir@gmail.com

۲. استادیار الهیات و معارف اسلامی، گروه علوم قرآن و حدیث، دانشکده الهیات و حقوق و علوم سیاسی، واحد تبریز،

دانشگاه آزاد اسلامی، تبریز، ایران (نویسنده مسئول): radbin14@gmail.com

۳. استادیار الهیات و معارف اسلامی، گروه علوم قرآن و حدیث، دانشکده الهیات و حقوق و علوم سیاسی، واحد

تبریز، دانشگاه آزاد اسلامی، تبریز، ایران: ahmadamiri@iaut.ac.ir

درآمد

برای یک قرآن‌پژوه، فهم صحیح قرآن کریم و ژرف‌اندیشی در مورد آن از ملزومات است. زیرا جهت ترجمه اصحّ برخی از واژه‌گان آن، بایستی به سیاق آیات رجوع نمود. یکی از این واژه‌ها «دون» است. که در پاره‌ای از آیات، با ترکیب «دون الله» نیز به کار برده شده است. این تحقیق، ضمن رجوع به منابع، کتب و سایت‌های معتبر، به تفصیل در مورد معانی عبارت «مَنْ دُونِ اللَّهِ» و اقسام آن در قرآن می‌پردازد. چون پیش از این عیناً پژوهشی در مورد موضوع مذکور بطور کامل صورت نگرفته است. بلکه عناوینی در هیئت کتب و پایان‌نامه‌ها و مقالات گوناگون، در این راستا بصورت غیر مستقیم و به وفور، مورد پژوهش و سپس به رشته تحریر درآمده است. مانند تمام تألیفاتی که در رد شبهات برخی آئین نوظهور در اسلام و یا در مورد توسل و امثال آن نگارش یافته است. و یا مصادیقی از این قبیل: ۱- در یکی از پژوهشها در این امر، با تحلیل معانی عبارت «من دون الله»، قریب به اتفاق مترجمان، از واژه‌هایی استفاده نموده‌اند؛ که تنها معنای (غیریت) را می‌رساند. و قید «من دون الله» را به معنای (إِلَّا الله) و (غیر الله) ترجمه کرده‌اند. اما از آنجا که در ترکیب عبارت «من دون الله» همواره امری، مخلوقی با خداوند متعال مقایسه می‌گردد؛ می‌بایست، به گونه صحیح، (علو شأن و مقام پروردگار) که در مقابل معنای (تنزل)، که در واژه «دون» است؛ معنا شود. و همچنین معنای (ابتدائیت) که در حرف (مَنْ) وجود دارد؛ لحاظ گردد. ولی اکثر مترجمان، بدون توجه به این دو معنا و نیز جایگاه نحوی ترکیب «من دون»، آنرا در معنای (غیریت) لحاظ کرده‌اند. (رهنما و پارچه‌باف، ۱۳۹۷، ش ۱۰، ۸۷-۱۰۶). ۲- تحقیق دیگر نقد دیدگاه علماء وهابیون از نگاه نویسنده می‌باشد مولف با اثبات مبنای ناصحیح وهابیون، در تحلیل آیه ۱۹۴ سوره اعراف که منجر به تکفیر مسلمین از سوی وهابیان شده است؛ تصریح می‌کند؛ که بر اساس تحلیل معانی مختلف کلمه (دعا) و تبیین مفهوم قید «من دون الله» و (عبادت)، به شبهات آیین وهابیت پاسخ داده شده است. بنابراین هر درخواستی که از سوی مسلمانان، از پیامبران و صالحان (ع) صورت می‌گیرد؛ مترادف معنای (عبادت) نیست. و شرک عبادی محسوب نمی‌گردد. (ابراهیم‌پور، ۱۳۹۵، ش ۲۲، ۹۹-۱۱۸). ۳- بنقل از پژوهشگری آمده است؛ دقت در آیات قرآن، روشن می‌کند؛ که عبارت «من دون الله»، در موارد (عبادت)، می‌تواند؛ گاهی به معنای (من غیر الله) باشد. اما در موارد (ولایت) و (شفاعت)، به معنای (مَنْ قَبْلَ غَيْرِ اللَّهِ) است. بنابراین اتخاذ ولیّ و شفیع غیر خدائی، عمل اسلامی و قرآنی نخواهد؛ بود. اما اتخاذ ولیّ و شفیع خدائی، و استغاثه از اولیای الهی، وظیفه و جزء قانون عالم خلقت است. (اسدی گرمارودی، ۱۳۹۵، ش ۳۹/۲۵). ۴- در موردی دیگر حاصل سخن صاحب رساله‌ای چنین است: یکی از منابع فهم قرآن، عقل می‌باشد. با استناد به آیات قرآن و روایات صحیح، درمی‌یابیم؛ که انبیاء، اولیاء

و صالحان(ع)، باذن الله دارای حق شفاعت هستند. و مسلمانان می‌توانند؛ برای تقریب به خدای متعال، به آن بزرگواران، توسل و تبرک بجویند. (مرادی، ۱۳۹۲ش، چکیده). بنابراین جنبه نوآوری در پژوهش حاضر نیز در این امر تلخیص می‌شود؛ که با کاوش در معانی حقیقی این عبارت، و اقسام آن در قرآن و نیز با پاسخ به شبهات برخی از دانشمندان دینی در این راستا طریقه اتخاذ ناصحیح معنایی آنها از این ترکیب را به وضوح معین می‌کند. این علماء همان اهل سلف می‌باشند. نه دانشمندان عامه. چون یکی از خطرناکترین مکاتب فکری، که از قرن هشتم هجری، (السبحانی، ۱۴۰۶: ۱۴-۱۳). در صد تزلزل و تهدید دین اسلام، و در عین حال با شعار دفاع از آن، برآمده است؛ مذهب وهابیت می‌باشد. که با پی‌ریزی احمدین تیمیه و سپس بوسیله پیروان مکتب وی بوجود آمد. ملاک پیشوایان فکری این فرقه برای تفسیر آیات قرآنی، استناد به نص آیات و ظواهر آن است. که بصورت تفسیر به رأی لیکن با اجتناب از گرایش به تأویل آیات، تحقق می‌پذیرد. از جمله موارد چالش‌برانگیز که از سوی این فرقه مطرح شده است؛ همین اصطلاح پرکاربرد «من دون الله» (ابن عبدالوهاب، بی‌تا: ۳۲۲-۳۲۱). در پاره‌ای از آیات قرآن است. علماء وهابی در ترجمه معنای این عبارت، آن را صرفاً حمل بر معنای «من غیر الله» کرده (همان، بی‌تا: ۳۳۵-۳۳۳). و از این طریق معتقدین به عواملی چون دعا، توسل و... از جانب غیر خداوند را مغایر با دستورات اسلام و قرآن دانسته‌اند. (ابن تیمیه، بی‌تا: ۲۹-۲۷). پژوهش حاضر بر این اهداف است؛ که: در این مورد، دیدگاه‌های قرآنی مشترک و مفترق، میان فریقین را در مقابل شمول این قید قرآنی بر کل خلایق، و اثرات زیان‌بار آن در جامعه، با اشاره به شبهات وهابیون بوسیله رویکرد علم نحو در این زمینه، مورد قیاس و تحلیل قرار دهد. سپس با دستیابی به معنای صحیح این ترکیب قرآنی، نحوه سوء برداشت وهابیون را در این حیث، بصورت مبرهن بیان کند. دلیل اهمیت این تحقیق هم بدین سبب است. زیرا در صورت عدم توجه بدان، توحید آدمی دچار تزلزل و اشکال شده در نتیجه سبب خسران در آخرت می‌گردد. از این رو درخواهیم یافت؛ که در قرآن مصادیق قید «من دون الله» تنها به اوئان و اصنام صدق نمی‌کند. از سوی دیگر مشمول تمامی مخلوقات نیز نمی‌باشد. بلکه در این مورد استثنائاتی وجود دارد. از طرفی با التفات به ادله عقلی و نیز با استناد به قرآن و متون اسلامی، اعتقاد به وسائط علی‌الخصوص مقربین الی الله، جهت رفع حوائج آدمی، از موازین شرعی بوده و آن عین توحید است.

طرح مسأله

چنانچه که ذکر شد، آنسان پژوهشی جامع درباره مفاهیم و معانی تفسیری عبارت «من دون الله» و نیز اقسام آن بطور مبسوط ایراد نگردیده و مورد کنکاش قرار نگرفته است. بدین سبب بررسی این

تحقیق جهت تشخیص معانی حقیقی ترکیب «من دون الله» حائز اهمیت و ضروری می‌باشد. از این رو پاسخ به برخی سوالات در راستای رسیدن به این انگیزه چنین مطرح می‌شود:

۱- کاربرد و ضرورت معناشناسی اصطلاح «من دون الله» در قرآن چیست؟

۲- مصادیق «من دون الله» در قرآن کریم کدام است.

۳- در قرآن «من دون الله» بدون استثناء شامل چه مخلوقاتی می‌شود.

روش کار

در تحقیق حاضر با استفاده از برخی کتب معتبر لغوی و بصورت اجمالی، مفهوم کلمه «دون» مورد بررسی قرار می‌گیرد. سپس با تشخیص نوع مضاف‌الیه واژه «دون» در قرآن، عبارات «من دون الله» نیز تحلیل ترکیبی می‌شود. در مرحله ای دیگر با استقصا در آیات گزینشی دارای ترکیب «من دون الله»، معانی تفسیری آنها بر اساس بافت کلام آیه‌ها مورد شناسایی و تجزیه و تحلیل واقع می‌گردد. و در فرجام با استفاده از منابع و تحقیقات مختلف نتیجه کلی از آن بدست می‌آید.

یافته‌ها

۱. مفهوم‌شناسی کلمه «دون»:

کلمه «دون» لفظی عربی بوده و عمدتاً در نقش ظرف و گاهی بعنوان ظرف متصرف بکار می‌رود. بنقل از خطیب، استعمال ظرفی این کلمه، بصورت منصوب یا مجرور با لفظ «مَنْ» همراه است. (خطیب، بی تا، ۹۰). و حرف «مَنْ»، نیز دارای پانزده وجه است. که اهم آن، همان وجه (ابتدای غایت) می‌باشد. مانند: «مَنْ الْمَسْجِدِ الْحَرَامِ». (ابن هشام، بی تا، ۳۴۹). این کلمه به هنگام ایفای نقش اسم فعل در جمله، در کلمه (خُذْ)، (ابن منظور، ۱۴۱۴ق، ۱۳/ ۱۶۴). افاده معنا می‌کند. همچنین این واژه، در بین اهل لغت، حدود بیست معنا را دارا می‌باشد. بنابراین تا مصادیق این کلمه و مضاف‌الیه آن بطور کامل بررسی نگردد؛ تعیین معنا و مراد، برای تعبیر «من دون الله» در آیات قرآنی، صحیح و میسر نخواهد بود. از منظر معاجم لغوی، مهمترین معانی، برای واژه «دون» عبارتند از: (قُرْب و بُعد)، (فروود)، (فوق)، (تحت)، (امر)، (وعید)، (اغرا)، (شریف)، (غیریت)، (بدون)، (کمتر)، (بی ارزش‌تر)، (قبل)، (آمام)، (زیر چیزی)، (در کنار چیزی)، (درمقابل چیزی) و.... (راغب، ۱۴۱۲ق، ۳۲۳). (الازهری، ۲۰۰۱م، ۱۴/ ۱۲۷). لفظ «دون»، در مواردی مثل «إِلَهِينَ مِنْ دُونِ اللَّهِ» در معنای «غیر» هم کاربرد دارد. (الدقر، ۱۴۰۶ق، ۲۵۳). با توجه به آراء اجمالی لغویان در این امر، گفته شده: اختلاف زبان‌پژوهان بر اشتقاق فعل از لفظ «دون»، یا جامد غیر مصدری بودن آن در اینست؛ که مصدر در معنی مشتقات بکار رفته است؛ و این مبالغه در صفت را می‌رساند. بنابراین وقتی کلمه «دون»، صفت واقع شود؛ مصدر بودن آن صحیح‌تر می‌نماید. و بمعنای (حقیر، خسیس و مسترذل) است. و اگر در معنای

(تقریب) بکار رود؛ ظرف مکان منصوب است. گرچه کاربردش در معنای (پیش و قبل)، آنرا به ظرف زمان نزدیک می‌کند. (ملک‌آبادی، و دیگران، ۱۳۹۶ ش، ۸ (۳۶) / ۲۲۴-۲۲۳). از سوی دیگر بلحاظ دائم‌الاضافه بودن کلمه «دون»، جهت بازشناسی معنای دقیق آن، شناخت مضاف‌إلیه و متعلقات این واژه ضرورت می‌یابد. در قرآن کریم، برای کلمه «دون»، انواع مختلفی از گونه‌های مضاف‌إلیه موجود است. که بطور ایجاز بیان می‌شود.

۲. انواع مضاف‌إلیه برای کلمه «دون» در قرآن:

در کتاب خداوند برای لفظ «دون» سه گونه مضاف‌إلیه مطرح است. با اینحال هریک از این گونه‌ها نیز بسته به بافت کلام در آیات، دارای متعلقات‌های گوناگونی هستند. در گونه اول: کلمه «دون» اضافه به لفظ جلاله (الله) شده است. مانند: «دون الله» در آیه «وَيَعْبُدُونَ مِنْ دُونِ اللَّهِ». (یونس: ۱۸). که در این گونه (گونه اول)، انواعی از متعلقات قابل شهود است. مانند: (عبادت، دعا، آلهه و ارباب، ولی و نصیر، و شفیع). شایان ذکر اینکه ترکیب «من دون الله» حدود هفتاد بار در قرآن کریم بکار رفته است. اما متعلق گونه دوم: اضافه به کلمه (مومنین) یا آن ضمیری که واصل همین معناست؛ شده است. مانند: «دون المومنین» در آیه «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا لَا تَتَّخِذُوا بَطَانَةً مِنْ دُونِكُمْ». (ال عمران: ۱۸). که در گونه دوم، کلمه «دون»، در معنای لفظ (اتخاذ و قرب) بکار رفته است. در این آیه، طبق فرمان الهی، مسلمین از انتخاب غیر مومنین، بعنوان دوست و محرم اسرار، نهی شده‌اند. و در گونه سوم: لفظ «دون»، به متعلقات‌های مختلفی اضافه شده است. مانند: (عمل) در آیه «... وَيَعْمَلُونَ عَمَلًا دُونَ ذَلِكَ...» (الأنبياء: ۸۲). این نوع از گونه، در قرآن، بصورت متفرق به چشم می‌خورد. و آن مضاف‌إلیه‌ای است؛ که مفهوم یا ضمیری مبتنی برعدم داشتن ویژگی خاص در آن هویدااست. (شبکه جهانی Alwahabiyah). در یک کلام باید گفت: ترکیب «من دون الله» با توجه به متعلق خود در جمله، افاده معنا می‌کند. از این رو این عبارت، در آیات قرآنی، معانی مختلفی را بر خود اتخاذ کرده است. در نتیجه با بررسی اجمالی تعبیر «من دون الله» در قرآن و ارتباط آن با اعمال طیبه عبادت در کلام الله مجید، می‌توان اقرار کرد: کاربرد قید «من دون الله» صرفاً در معنای (من غیر الله) خلاصه نشده و برابر با سیاق آیات، و جعل در مواضع نحوی خود، مشمول معانی متعددی است.

۳. بررسی معانی و ویژگیهای عبارت «من دُونِ اللَّهِ» در قرآن:

قبل از شناخت و واکاوی این ویژگیها معرفت دو نکته ضروری است. من جمله:

الف) اقسام عبارت «من دون الله» بر اساس مواضع نحوی واژه «دون».

ب) مصادیق گونه‌های کلمه «دون» جهت معناشناسی ترکیب «من دون الله».

۳. الف). اقسام عبارت «من دون الله» بر اساس مواضع نحوی واژه «دون»:

با تعمق در آیات قرآن، می‌توان اصطلاح «من دون الله» را در آن به اقسام مختلفی تقسیم‌بندی کرد. و آن عبارت است از:

الاول: هنگامی که لفظ «دون» بعنوان اسم از جنس ظرف و نیز بعنوان حرف از نوع جار و مجرور در قالب هر دو اعراب «دُون» و «دُونِ» واقع شود؛ بمعنی (بغیر- بجز- سوی- و بجای) می‌باشد. مثل: (یونس: ۱۸). (طنطاوی، ۱۹۹۵م، ۵۸۱).

الثانی: هنگامی که لفظ «دون» بعنوان اسم و نیز بعنوان حرف، در معنای (کم- کمتر- و کوچکتر) مورد استفاده واقع شود. مثل: (النساء: ۴۸).

الثالث: آن، وقتی است که لفظ «دون» بعنوان اسم در معنی (پایین) و یا (آهسته) باشد. مانند: (الاعراف: ۲۰۵).

الرابع: وقتی که لفظ «دون» بعنوان اسم در معنای (زودتر) در آیه ترجمه شود. مثل: (السجده: ۲۱).

الخامس: آنگاه که کلمه «دون» بعنوان اسم در معنی (جلوتر) بیاید. (الطور: ۴۷).
السادس: وقتی که لفظ «دون» به عنوان اسم به معنی (بعضی و برخی) در آیه قرار بگیرد. (الجن: ۱۱).

السابع: هنگامی که کلمه «دون» بعنوان حرف در معنای (دیگر- دیگران- طرف دیگر) و یا (قرب) قرار بگیرد. مثل: (یونس: ۳۸).

الثامن: وقتی کلمه «دون» به عنوان حرف در معنای (در مقابل- در قبال- و در برابر) واقع شود. مانند: (مریم: ۱۷).

التاسع: وقتی که واژه «دون» بعنوان حرف، در معنای (لا=نه) بکار می‌رود. آن عبارتند از: (البقرة: ۹۴).

العاشر: هنگامی که لفظ «دون» بعنوان حرف به معنی (پیش از- و قبل از) باشد. (الفتح: ۲۷).
الحادی عشر: آن هنگام که لفظ «دون» بعنوان حرف به معنی (خدایان) قرار بگیرد. (الزمر: ۳۸).
(ملک‌آبادی، و دیگران، ۱۳۹۶ش، ۸ / ۳۶) - ۲۲۳-۴).

۳. ب) مصادیق گونه‌های کلمه «دون» :

برای بازشناسی مصادیق این اصطلاح قرآنی، نمونه‌هایی از مصادیق انواع مضاف‌إلیه کلمه «دون» بیان می‌شود.

۳. ب. ۱ -) گونه اول : کلمه «دون» اضافه به لفظ جلاله:

در این گونه لفظ «دون» متعلقات مختلفی را داراست. عبارتی ترکیب «من دون الله» در معنای (من غیر الله) با توجه به متعلقات لفظ «دون» در معانی (إلا الله و طرف دیگر)، (آلهه)، (ولایت)، (شفاعت)، (توسل و استغاثه). و... . کارایی دارد.

الف). متعلق لفظ «دون» در معنای (إلا الله) :

وقتی کلمه «دون» بعنوان حرف در معنای (طرف دیگر) یا (غیر از آن) و یا در معنای (قُرب) قرار بگیرد. مانند سخن خداوند متعال در کتاب خویش: «أَمْ يَقُولُونَ افْتَرَاهُ قُلْ فَأْتُوا بِسُورَةٍ مِثْلِهِ وَادْعُوا مَنِ اسْتَطَعْتُمْ مِنْ دُونِ اللَّهِ إِنْ كُنْتُمْ صَادِقِينَ». (یونس: ۳۸). آیه تحدی اخیر، حکایت از اعجاز قرآن کرده و عجز مشرکین را در برابر بلاغت این کتاب به اثبات می‌رساند. و بطور صریح ابراز می‌دارد؛ که این قرآن، کتاب الهی و کاملاً نازل شده از جانب خداوند متعال است. ابی السعود درباره واژه «دون» از عبارت «من دون الله» چنین می‌گوید: «متعلق بادعوا و دون جار مجری أداة الاستثناء و قد مر تفصیله فی قوله تعالی (و ادعوا شهدائکم من دون الله) آی: ادعوا سواه تعالی من استطعتم من خلقه فإنه لا یقدر علیه أحد». (ابوالسعود، ۱۹۸۳م، ۱۴۶/۴). ایشان علاوه بر قائل شدن نقش مجرور به حرف جاره برای این واژه، آنرا از ادات استثنا درآیه مذکور نیز برمی‌شمارد. مضمون همین مطلب را نسفی و آلوسی هر کدام با جمله‌ای دیگر چنین بیان کرده است: «من استطعتم من خلقه للاستعانة به علی الإتيان بمثله». (نسفی، ۱۴۱۶ق، ۲۳/۲۳۵). (آلوسی، ۱۴۱۵ق، ۶/۱۱۱). اما الجدول می‌نویسد: کلمه «دون» در آیه اخیر بعنوان مجرور به حرف جر «من»، متعلق به حال از اسم موصول «من» و نیز مضاف و حتی ظرف است. لفظ جلاله «الله» نیز اضافه به اسم ظرف «دون» شده لیکن صله موصول، فعل (استطعتم) می‌باشد. (صافی، ۱۴۱۸ق، ۱۱/۱۲۹-۱۲۸). حاصل اینکه عبارت «من دون الله» را در آیه مد نظر می‌توان در معنای «من غیر الله» بکار برد. زیرا با توجه به گونه اول مضاف‌إلیه کلمه «دون»، واژه اضافه شده بدان لفظ جلاله «الله» است. که متعلق این اصطلاح در آیه شریفه، هرکسی بجز خداوند یکتاست. و آن همان کلمه «من» موصوله وابسته به صله خود و فعل (استطعتم) است. یعنی ای مشرکین! جهت استمداد، هر کسی را بجز الله تبارک و تعالی بخوانید؛ تا به پشتیبانی و یاری از یکدیگر سوره‌ای مانند آنرا از حیث بلاغت بیاورید.

ب). متعلق لفظ «دون» در معنای (آلهه) :

آن هنگام که لفظ «دون» بعنوان حرف به معنی (خدایان) قرار بگیرد. مانند: «وَلَكِنْ سَأَلْتَهُمْ مَنْ خَلَقَ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضَ لَيَقُولُنَّ اللَّهُ قُلْ أَفَرَأَيْتُمْ مَا تَدْعُونَ مِنْ دُونِ اللَّهِ إِنْ أَرَادَنِيَ اللَّهُ بِضُرٍّ هَلْ هُنَّ كَاشِفَاتُ ضُرِّهِ أَوْ أَرَادَنِيَ بِرَحْمَةٍ هَلْ هُنَّ مُمْسِكَاتُ رَحْمَتِهِ قُلْ حَسْبِيَ اللَّهُ عَلَيْهِ يَتَوَكَّلُ الْمُتَوَكِّلُونَ». (الزمر: ۳۸).

ابن‌کثیر بدون اشاره به مصداق «دون» در جمله (ما تدعون من دون الله) در آیه مورد بحث، می‌گوید: «لا تستطيع شيء من الامر». (ابن‌کثیر، ۱۴۱۹ق، ۷/۹۰). وی به عدم توانائی مصداق «من دون الله» در این باره اشاره کرده و بدان مداومت می‌ورزد. به گفته زمخشری هم مراد از عبارت (ما تدعون من دون الله) در آیه بتهاست. که نه قادر به تدبیر امور عالمند؛ و نه یارای شفاعت برای مشرکین از جانب خدا را دارند. (زمخشری، ۱۴۰۷ق، ۴/۱۳۰). در تفسیر این آیه همین بس که آفریننده و مدبر جهان خداوند متعال است. منظور از عبارت (قل افرأيت ما تدعون من دون الله) هم دستور خداوند به پیامبر اکرم (ص) جهت احتجاج وی علیه مشرکین در مورد خالق و مدبر هستی است. پس آلهه مشرکین، نه معبودند. و نه مدبر. موبد این سخن، آوردن حرف (ما) در جمله (قل افرأيت ما تدعون من دون الله) بجای عبارت (من تدعون) است. تا از باب مغلوب کردن آلهه بی‌جان مشرکین، و نیز با عمومیت دادن احتجاج، آنرا مشمول ارباب اصنام و نیز خود اصنام بکند. (طباطبایی، ۱۳۹۰، ۱۷/۲۶۶). سیوطی نیز مراد از مصداق «من دون الله» را در این آیه همان اصنام می‌داند. نه بندگان مقرب به درگاه الهی. (سیوطی، ۱۴۰۴ق، ۵/۳۲۸). در نتیجه آیه شریفه به انحصار خالقیت و ربوبیت به صرف ید و قدرت الهی اشاره می‌کند. به اینکه باور به انفکاک‌پذیری در میان آن دو سبب شرک اکبر و خروج از زمره یکتاپرستی ست. بنابراین حق شفاعت بصورت مالکیت و مملوکیست فقط از آن خداست. و اولیای الهی مالک شفاعت نیستند. بلکه مأذون در آن می‌باشند. (سبحانی، بی‌تا، ۱۰/۳۹۳-۳۹۲). البانی نیز ضمن اشاره به معنای کلمه توسل از منظر قرآن و لغت‌شناسان عرب می‌گوید: «قال ابن‌اثیر فی النهایة: الوسائل: الراغب. الوسيلة: القربة و الوساطة و ما يتوصل به الى الشيء و يتقرب به. و الوسيلة هي التي يتوصل بها الى تحصيل المقصود». (البانی، ۱۴۲۱ق، ۱۶-۱۱). و در ادامه می‌افزاید: «إن ما قدمته من بيان معنى التوصل هو المعروف فى اللغة و لم يخاف فيه أحد». (همان). بنابراین او نیز با این اقرارها به صراحت ابراز می‌دارد؛ که معنای توسل از دیدگاه اهل لغت هم، مورد پذیرش شخص وی و همه دانشمندان می‌باشد. امام صادق (ع) درباره مقام اهل بیت (ع) در نزد خداوند بعنوان بندگان شایسته و منقذوالامة می‌فرماید: (أبى الله أن يجرى الاشياء إلّا بأسباب فجعل لكل شيء سببا و جعل لكل سبب شرحا و جعل لكل شرح علما و جعل لكل علم بابا ناطقا عرفه من عرفه و جهله من جهله ذاك رسول الله (ص) و نحن). (کلینی، ۱۳۷۵ش، ۲/۶۷). از این رو خداوند برای هر سببی، شرحی پرداخته، و برای هر شرحی، نشانه‌ای نهاده است. (همان). این حدیث، به وضوح بیانگر اینست؛ که یکی از سنت‌های الهی، وسیله قرار دادن اسباب جهت رفع حوائج دنیوی و اخروی است. و این خود، یکی از ملزومات عالم ماده و جهان ماوراءالطبیعه می‌باشد. که از طریق عقلی، قرآنی، نقلی و نیز علوم تجربی به اثبات رسیده است.

ج. متعلق کلمه «دون» در معنای (ولایت) :

وقتی واژه «دون» در جمله نقش اسم از جنس ظرف را بر خود اتخاذ کند. مثل: «وَمَا أَنتُمْ بِمُعْجِزِينَ فِي الْأَرْضِ وَمَا لَكُمْ مِنْ دُونِ اللَّهِ مِنْ وَلِيٍّ وَلَا نَصِيرٍ». (الشوری: ۳۱). تردیدی نیست؛ که اساس ناباوری برخی از علماء دینی هم نسبت به عواملی چون توسل، تبرک، شفاعت و غیره ناشی از اتکا به معنای ظواهر آیات و نیز بلحاظ کم‌توجهی به معنای توحید عبادی و شرک ربوبی است. مهمترین دلیل آن هم عدم اعتقاد وهابیون به عالم غیب بوسیله بندگان صالح الهی با تأیید خداوند می‌باشد. زیرا وهابیون هرگز قائل به تصرف ولایت تکوینی برای عابدان اصلح الهی نیستند. مصداق بارز آن در آیه مذکور وارد شده است. ادعای آنان درباره عدم شایستگی ائمه (ع) بر مقام ولایت بر فرزند آدمی از جانب خداوند، استناد به برخی از چنین آیات است. آنان با پایبندی به معنای ظاهری اینگونه آیات، ابراز می‌دارند: هیچ سرپرست و یآوری برای بشر بغیر از خداوند موجود نمی‌باشد. مع ذلک راغب کلمه «ولی» را در سه معنای (نصیر و یاور)، (محبوب و دوستدار) و (صدیق و رفیق کردن) خلاصه کرده است. (راغب، ۱۴۱۲ق، ۸۸۵-۸۸۷). بنابراین جهت تشخیص و تعیین معنای آن در جمله، بایستی در سیاق آیه غور کرد. اما فخر رازی درباره آیه مد نظر می‌گوید: مراد از جمله (و ما لکم من دون الله من ولی و لا نصیر) پرستش بتهاست. (فخر رازی، ۱۴۲۰، ۶۰۱/۲۷). از این رو وی با این سخن، تلویحا به مقید بودن آیه اشاره کرده و مصداق اصطلاح «من دون الله» را در آیه مذکور صرفا اصنام برمی‌شمارد. نه سایر مقربان مأذون الی الله. (همان). اما بدون تردید، خداوند در آیه اولی الامر و بسیاری از آیات دیگر، پیامبر (ص) خویش را بعنوان یاور و پل ارتباطی میان بشر با خود قرار داده و تبعیت از آن بزرگوار را اطاعت محض از خود بر می‌شمارد. بعنوان نمونه آنجا که خداوند از لسان مبارک حضرت موسی (ع) می‌فرماید: «وَأَجْعَلْ لِّي وَزِيرًا مِّنْ أَهْلِي. هَارُونَ أَخِي. أَشَدُّ بِهِ أَزْرًى». (طه: ۳۱-۲۹). بنابراین طلب استمداد از بشر هیچ منافاتی با مسئله شرک نسبت به خداوند ندارد. بلکه آن از تکالیف الهی در زمینه اصل توحید است. شگفت اینکه ابن عبدالوهاب در تفسیر این آیات از سوره مبارکه طه می‌گوید: «أنه لم يسأل حل لسانه بل عقده منه أن مراده ليفقهوا كلامه». (ابن عبدالوهاب، بی‌تا، ۲۹۷). یعنی حضرت موسی (ع) از خداوند درخواست کرد؛ تا برای تفهیم سخنان خویش بر مردم، برادرش هارون را جهت گره‌گشایی از لسان خود، بعنوان دستیار بر وی قرار دهد. سخن در این است؛ که اگر درخواست یاور و توسل جستن بدان شرک باشد؛ در آن صورت ابن عبدالوهاب در تفسیر این آیات دچار خطا شده است. کماکان در صورت اتکا به ظواهر آیات شریفه، آنگاه حضرت موسی (ع) (العیاذ بالله) مشرک تلقی می‌شود. در نتیجه عبارت (ولی من دون الله) در آیه مذکور، مشمول اشخاص و افراد غیر المصرح لهم از جانب خداوند می‌شود. نه

آنانکه منسوب به (من عند الله) هستند. از قول علوان: لفظ جلاله، مجرور به اضافه، و اما عبارت (من دون) متعلق به حال از لفظ (ولی) است. لیکن ترکیب (من ولی) در نقش مبتدا موخر، می‌باشد. (علوان، ۱۴۲۷ق، ۴/۲۱۴۴).

د. متعلق واژه «دون» در معنای (شفاعت):

در این زمینه مصادیق بارز فراوانی در قرآن موجود است. بعنوان نمونه: «وَذَرِ الَّذِينَ اتَّخَذُوا دِينَهُمْ لَعِبًا وَلَهْوًا وَغَرَّتْهُمُ الْحَيَاةُ الدُّنْيَا وَذَكَرَ بِهِ أَنْ تَبْسَلَ نَفْسٌ بِمَا كَسَبَتْ لَيْسَ لَهَا مِنْ دُونِ اللَّهِ وَلِيٌّ وَلَا شَفِيعٌ وَإِنْ تَعْدِلْ كُلُّ عَدْلٍ لَا يُؤْخَذُ مِنْهَا أُولَئِكَ الَّذِينَ أُبْسِلُوا بِمَا كَسَبُوا لَهُمْ شَرَابٌ مِنْ حَمِيمٍ وَعَذَابٌ أَلِيمٌ بِمَا كَانُوا يَكْفُرُونَ». (الانعام: ۷۰). در تفسیر این آیه باید دریافت؛ معنای اصح عبارت «من دون الله» در مورد شفاعت، همچون معنای این عبارت در امر ولایت است. زیرا تشخیص معنای حقیقی آیه با سیاق آن تحقق می‌پذیرد. بنقل از پیروان مکتب وهابی درباره آیه اخیر، مراد از عبارت (لیس لها من دون الله ولی و لا شفیع) تنها خداوند است. که بغیر از وی هیچ شافی و یآوری در روز رستاخیز نخواهد بود. (ابن کثیر، ۱۴۱۹ق، ۳/۲۰). (رشیدرضا، ۱۴۱۴ق، ۷/۵۲۰). درحالیکه جواز توسل و شفاعت از جانب خداوند به افراد خاص خویش از ادوار گذشته داده شده و به تأیید قرآن رسیده است. (البقرة: ۲۵۵). آیه الله سبحانه در مورد اثبات وجود مقام شفاعت از سوی اولیای الهی برای امت و نیز سبب این امر را چنین تبیین می‌کند: «الشفعاء الصالحین انما یشفعون فی إطار إذن الله سبحانه. لأن یعبرهم عبادا لله و مقرّبین یدیه. لیکن لمن یشحق الشفاعة و یلیق بها. بأن تكون علاقاتهم المعنویة متصله بالله. غیر مقطوعه عن الشفعاء». (السبحانی، ۱۴۲۷ق، ۲۴۶-۲۴۵). یعنی این امر به اراده الهی و جهت رفع حوائج فرزند بشر است. گفته شده: با توجه به ابتداء غایتی که در حرف (مَنْ) در عبارت «من دون الله» موجود است؛ می‌توان دریافت؛ که هر نوع مغایرتی با خداوند را با عبارت «من دون الله» نمی‌توان تبیین کرد. بلکه آن مغایرتی اراده می‌شود؛ که در آن، تأکید به نبود الله تعالی لحاظ شده باشد. بطوریکه ابتدای غایتی که کلمه «مَنْ» از آن حکایت می‌کند؛ همان «دون الله» است. یعنی از مرتبه پایینتر از خدا که ماسوی است؛ نشأت می‌گیرد. (رهنما، و دیگران، ۱۳۹۷ش: ۱۰/۹۳-۹۷). امام فخر رازی درباره مسأله شفاعت اذعان می‌کند: «اتفقت الامه علی اثبات هذه الشفاعة». (فخر رازی، ۱۹۸۶م، ۲/۲۴۵). از نگاه ایشان نیز اصل و حقیقت شفاعت، امری انکارناپذیر است؛ که جمله مسلمین در این مورد اتفاق نظر دارند. و اما از دید علم نحو، متعلق واژه «دون» در آیه اخیر، آن حال محذوفی است؛ که در کلمه «ولی» و نیز در واژه معطوف «شفیع» نهفته است. از طرفی لفظ «ولی» در آیه، اسم فعل (لیس) می‌باشد. که خبر این فعل ناقصه حاکی از متعلق محذوف کلمه «لها» است. و آن همان مشرکینند. (دعاس، ۱۴۲۵ق، ۱/۳۱۲).

ه. متعلق کلمه «دون» در معنای (توسل) :

«وَمَنْ أَضَلُّ مِمَّنْ يَدْعُو مِنْ دُونِ اللَّهِ مَنْ لَا يَسْتَجِيبُ لَهُ إِلَى يَوْمِ الْقِيَامَةِ وَهُمْ عَنْ دُعَائِهِمْ غَافِلُونَ». (الاحقاف:۵). با تأمل در این آیه باید پذیرفت؛ که تفصیل معنای استغاثه در عبارت «من دون الله» شباهت بسیاری به تشریح معنای این عبارت در الفاظ (ولایت) و (شفاعت) را دارد. مانند: (الانفال:۹). ابن کثیر در مورد آیه مذکور (الاحقاف:۵)، اقرار می‌کند: «أى: لا أضل ممن يدعو من دون الله أصناما، و يطلب ما لا تستطيعه إلى يوم القيامة، و هي غافلة عما يقول لا تسمع و لا تبصر و لا تبطش، لأنها جماد حجارة صم». (ابن کثیر، ۱۴۱۹ق، ۷/۲۵۳). وی مصداق «من دون الله» در آیه را بتها برمی‌شمارد. و هرگونه متوسل شدن به آنها را بدلیل موجوداتی جمادی بودن، رد می‌کند. بغوی نیز در این باره می‌نویسد: «یعنی الأصنام لا تجیب عابديها إلى شيء يسألونها. (الی يوم القيامة) یعنی أبدا ما دامت الدنيا، (و هم عن دعائهم غافلون) لأنها جماد لا تسمع و لا تفهم» (بغوی، ۱۴۲۰ق، ۴/۱۹۱). رأی این مفسر همچون آراء سایر مفسرین و این کثیر، (درباره آیه شریفه) متفق است. مفسر متعصب اهل عامه می‌نویسد: مقصود از توسل آن است؛ که عابد، چیزی یا شخصی را نزد خداوند واسطه قرار دهد، تا او وسیله قریبش به خدا گردد. و این به معنای درخواست کردن دعاست؛ از آن مخلوق. نه عبادت وی. (آلوسی، ۱۴۱۵، ۳/۲۹۴). تفسیر صافی نیز ابراز می‌دارد: «(و من اضل ممن يدعوا من دون الله من لا يستجيب له) إنكار أن يكون احد اضل من المشركين حيث تركوا عبادة السميع المجيب القادر الخبير إلى عبادة من لا يستجيب لهم لو سمع دعائهم فضلاً ان يعلم سرائرهم و يراعى مصالحهم. (کاشانی، ۱۴۱۵ق، ۵/۱۲-۱۱). از این رو دیدگاه بسیاری از دانشمندان دینی در این مورد یکسان است. و این هیچ ارتباط موضوعی به توسل جستن برای عابدان اصلح الهی که ولی و شفیع من قبل الله هستند؛ ندارد. بنابراین مصداق «من دون الله» در این آیات، با ارجاع به سیاق آنها تعیین می‌گردد. نه صرف تمسک به ظواهر آیات. پس درخواست استعانت از بندگان شایسته خداوند بشرط نفی استقلال از آنان و جهت تقرب بسوی آستان حضرت حق، امری صحیح است. در یک بیان کلی می‌توان گفت: با توجه به آیات قرآنی، ملاک جواز و عدم جواز صدا زدن «غیر الله»، و طلب استعانت از او به نیت و اعتقاد شخصی داعی وابسته است، نه به شرایط مستغاث‌به. یعنی اگر متقاضی، شافی و باب‌الحوائج را در عرض خدای متعال و موثر مستقل بداند؛ در این صورت و با این اعتقاد، استغاثه و طلب حاجت از او حرام و شرک است. (سعادت، ۱۳۹۶ش، ۵/۱۹-۹۰/۹۶). امام علی (ع) درباره صفات و مقامات پیامبر اکرم (ص) بعنوان ناجی امت و وسیله برای آنها می‌فرماید: «و شرف عندك منزله و آتة الوسيلة». (صبحی، ۱۳۷۴ش، خ ۱۰۵/۱۵۴). کفعمی نیز در مورد امداد و فریادرسی خداوند از پناهندگان و ملتیان به او می‌نویسد: و الإغاثة لمن استغاث بك موجودة و الإعانة لمن استعان بك مبذولة».

(کفعمی / ۲۹۶). حاصل اینکه توسل انسان به اسباب و وسائل طبیعی، امری اجتناب‌ناپذیر است. و توجه به اسباب در نظام مادی و معنوی، تنها بلاشکال است؛ بلکه عنایت به سبب، همانند وصول به مسبب و مراد تلقی می‌شود. (علوی، ۱۳۷۶ش، ۳ / (۱۵) / ۲۵-۲۴). شگفتا که البانی دانشمند متعصب سلفی مسلک، درباره طلب استعانت از اولیای الهی تصریح می‌کند: «التوسل الی الله تعالی، بدعاء الرجل الصالح». (البانی، ۱۴۲۱ق، ۳۸). آیه‌الله مصباح گوید: گناهان ما بسان پرده سیاهی بین ما و خداوند فاصله ایجاد می‌کند. ما نیز با درخواست آمرزش از خدا می‌توانیم این تیره‌گی‌ها را از دامن خود بزداییم. از آنجائی که ما خود نمی‌توانیم به مقام تقرب به خدا نائل شویم؛ از این رو خداوند توسط بندگان اصلح خود و بإذن‌الله راهی را فراروی ما نهاده که از آن طریق بتوانیم به او تقرب بجوئیم. آن انوار مقدس، همان اهل بیت (ع) هستند، که به برکت توجه و توسل بدانها خداوند به ما عنایت می‌کند. (مصباح، ۱۳۹۰ش، ۹۰). برای اینکه انبیاء و اولیاء (ع) جهت وصول به مراتب قرب الهی تا حدی صعود معنوی کرده‌اند؛ که از ناحیه خداوند، مورد موهبت واقع شده‌اند. برخلاف اعتقاد وهابیان، درخواست کردن از آن موجودی که تمام هویت وی وابسته به خداست؛ با باور به اینکه تمام تأثیراتش مستند به خدای متعال است؛ بلاشکال می‌باشد. (مطهری، ۱۳۹۵ش، ۷۶-۷۳).

۳. ب. ۲-). گونه دوم : واژه «دون» اضافه به کلمه یا ضمیری که واصل همان معناست:

فعل یا شبه فعل این نوع از گونه برای واژه «دون» در قرآن بسیار است. که آن واژگان، معنای مضاف‌الیه لفظ «دون» را می‌رساند. این عامل سبب ترجمه دقیق معنای واژه «دون» در آیه می‌گردد. مواردی از آن عبارتند از: (اتخاذ و عبادت): (الزمر: ۳). (کمتر، حقیرتر): (النساء: ۴۸). (لا): (البقره: ۹۴). (جلوتر): (الطور: ۴۷). (بعضی): (الجن: ۱۱). (آمام): (الکهف: ۹۳). (قبل از): (الفتح: ۲۷). که در این باره اجمالاً به دو نمونه اشاره می‌شود:

الف). متعلق لفظ «دون» در معنای (اتخاذ و عبادت) :

تعبیر «من دون الله» هنگامی در معنای «من غیر الله» استعمال می‌شود؛ که طبق حوزه معنایی آیه، این عبارت در معنای (عبادت و پرستش) بکار رود. مانند: «أَلَا لِلَّهِ الدِّينُ الْخَالِصُ وَالَّذِينَ اتَّخَذُوا مِنْ دُونِهِ أَوْلِيَاءَ مَا نَعْبُدُهُمْ إِلَّا لِيُقَرِّبُونَا إِلَى اللَّهِ زُلْفَىٰ إِنَّ اللَّهَ يَحْكُمُ بَيْنَهُمْ فِي مَا هُمْ فِيهِ يَخْتَلِفُونَ إِنَّ اللَّهَ لَا يَهْدِي مَنْ هُوَ كَاذِبٌ كَفَّارٌ». (الزمر: ۳). روشن است، که با درنظر گرفتن ظاهر آیه شریفه، برای نزدیکی و ره‌یافت به درگاه الهی، پرستش کردن و حتی تقرب جستن به مخلوقات خداوند در آن، باطل و حرام انگاشته شده است. لیکن یک مفسر حقیقی با استمساک به الفاظ آیه و بدون توجه به سیاق، نمی‌تواند اقدام به تفسیر آن کند. ابن‌عبدالوهاب در تفسیر این آیه می‌گوید: «و هي أن الدين الخالص لله، و غير الخالص ليس له... إبطال اتخاذ الأولياء من دونه». (ابن‌عبدالوهاب، بی‌تا، ۳۱۸). وی کلمه

«دین» را در آیه مذکور بعنوان کیش و آئین در نظر گرفته است. اما با رجوع به قرآن و تأمل در آن، معانی مختلفی برای این واژه بدست می‌آید. راغب می‌گوید: «للطاعة و الجزاء و استعیر الشریعة». (راغب، ۱۴۱۲ق، ۳۲۳). از این رو لفظ «دین» در معانی مختلفی مانند: (پیروی کردن)، (کیش و آیین) و (ملت) بر اساس حوزه معنایی و نیز طبق ایفای نقش خود در جمله بکار می‌رود. ابن عبدالوهاب در جای دیگر ابراز می‌دارد: «و کفر ایضا من قصد الصالحین... الصالحون لیس لهم من الأمر شیء. و لیکن اقصدهم أرجوا من الله شفاعتهم». (ابن عبدالوهاب، ۱۴۱۸ق، ۲۰). یعنی معتقدین به شفاعت صالحان، مشرک بوده و از دایره توحید خارج می‌باشند. در صورتیکه تا قلب عابد، تهی از وحدانیت خداوند نگردد؛ صدور حکم ارتداد در این راستا بر وی، امری استهزاآمیز و باطل خواهد بود. ابن کثیر نیز درباره جمله (والذین اتخذوا من دونه اولیاء) بدون توجه به بافت و ساختار کلام در آیه، با تعمیم جزء بر کل، وسائط میان مشرکین و خدا را بتها معرفی کرده و با جمله (اخبر عزوجل من عباد الاصنام من المشرکین) مراد آیه را از منظر خویش تبیین می‌کند. (ابن کثیر، ۱۴۱۹ق، ۷/۷۴). ثعلبی هم معنای کلمه «دین» را در آیه مذکور، (اطاعت و پیروی کردن) اتخاذ کرده است. (ثعلبی، ۱۴۲۲ق، ۸/۲۲۲). و در ادامه می‌افزاید: «والذین اتخذوا من دونه اولیاء. أی: الاصنام». (همان). ایشان برخلاف نظر ابن کثیر منظور از عبارت (من دونه اولیاء) را همه موجودات چون مقربان درگاه الهی برنگرفته است. بلکه بر اساس سیاق آیه، مشمولین آنرا صرفاً بتها قلمداد می‌کند. سیوطی نیز مصداق عبارت مذکور را (یعبدون الاوثان) برمی‌انگارد. (سیوطی، ۱۴۰۴ق، ۵/۳۲۲). بنقل از سید قطب هم مراد از جمله (الا لله الدین الخالص) دعوت و فرا خواندن مشرکان از جانب خداوند، بسوی توحید است. مبتنی بر اینکه برخلاف زعم مشرکین، خالق و مدبر هستی، هر دو صرفاً خداوند است. و هیچ مخلوقی جز باذن الله یارای وساطت و شفاعت را ندارد. (قطب، ۱۴۳۵ق، ۵/۳۰۳۷). این مفسر منظور از مقربان درگاه الهی در این آیه را همان جمادات و بتها برمی‌شمارد، نه سایر وسائط و مقربین حقیقی پیشگاه حضرت حق. در عبارت (من دونه اولیاء) اضافه شده به کلمه «دون»، لفظ جلاله «الله» است. که بشکل ضمیر بارز (ه) در واژه «دونه» نمایان گشته است. همچنین عبارت «من دون» با نقش اضافه معنوی، دارای دو متعلق است. ۱- متعلق به محذوف در محل نصب از حال (اولیاء). ۲- متعلق به صله موصول یعنی فعل (اتخذوا). که در این موارد افاده معنا می‌کند. اما در قالب معنای (عبادت)، خبر موصول (الذین)، فعل (یقولون) می‌باشد؛ که آن در تقدیر است. (یعنی کسانی که می‌گویند). لیکن کلمه «اولیاء» نیز مفعول به اول آن است. (الدرویش، ۱۴۱۵ق، ۸/۳۸۸). علیهذا طبق سیاق آیه، چنانچه مصداق ترکیب «من دون الله» در معنای (عبادت) تعبیر شود؛ آن همان مصداق «من غیر الله» است. که عاملان آن از دایره توحید خارج شده و مشرک قلمداد می‌شوند. و این همان شرک عبادیست. زیرا عبادت، جز

برای خداوند متعال سزاوار نمی‌باشد. بنقل از آیه‌الله سبحانی، تحریم تقرب به خداوند، از طریق عبادت اشخاص و مخلوقات خداست. نه تقرب به وی از طریق صالحان(ع) و مقام و منزلت معنوی آنها. از این رو سبب نزول آیه، از پرستش بتها توسط مشرکین، و سپس متوسل شدن به آنها بعنوان شفاعت‌کننده در برابر خدا حکایت می‌کند. و این با اقدام مسلمین در برابر اولیاء الهی، تناقض فراوان دارد. (سبحانی، بی تا: ۱۰/۴۰۹-۴۱۰). زمخشری نیز درباره استعانت به بندگان صالح خدا در ذیل آیه نهم سوره یونس می‌گوید: «یَسْأَلُهُمْ بِسَبَبِ إِيْمَانِهِمْ لِلْإِسْتِقَامَةِ عَلَى سَبِيلِ الْمَوْدَى إِلَى الْوَابِ. لِأَنَّ التَّمَسُّكَ بِسَبَبِ السَّعَادَةِ كَالْوَصُولِ إِلَيْهَا». (زمخشری، ۱۴۰۷ق، ۲/۳۳۰). یعنی با عنایت ویژه خدا بر اولیای خویش و استمساک امم به دامان آنها تقرب الی الله حاصل می‌گردد.

ب). متعلق لفظ «دون» در معنای (حقیرتر) :

«إِنَّ اللَّهَ لَا يَغْفِرُ أَنْ يُشْرَكَ بِهِ وَيَغْفِرُ مَا دُونَ ذَلِكَ لِمَنْ يَشَاءُ وَمَنْ يُشْرِكْ بِاللَّهِ فَقَدْ افْتَرَىٰ إِثْمًا عَظِيمًا». (النساء: ۴۸). ابن تیمیه درباره شرک نسبت به خداوند می‌گوید: «الشرك يكون في الإلتجاء لغير الله تعالى». (ابن تیمیه، بی تا، ۴/۴۰۴). از منظر وی درخواست از مقربین آستان حضرت حق، جهت برآورده شدن حوائج، شرک تلقی می‌شود. لیکن جالب توجه اینکه وی در تفسیر آیه وسیله (المائده، ۳۵). شرط فلاح بشر را در توسل و تقرب جستن به پیامبر اسلام(ص) و نیز اطاعت و پیروی از خدا و فرستاده او به‌مراه ایمان بدانها و حتی تقرب به اعمال صالح شخص بشر می‌داند. (ابن تیمیه، ۱۴۰۴، ۲/۴۷). با تأمل در می‌یابیم؛ طبق دستور آیه اکمال، آنکه فرمانبردار رسول خدا(ص) است؛ بنابر فرمان آن بزرگوار ملزم به اطاعت از اهل بیت(ع) وی نیز می‌باشد. چون آنها واسطه فیض الهی بر بندگان می‌باشند. بیضای هم با بسط نابجا در این امر، می‌نویسد: جمله (و یغفر ما دون ذلک) در آیه مذکور یعنی «ما دون الشرک صغیرا کان او کبیرا». (بیضای، ۱۴۱۸ق، ۲/۷۸). وی با نگاهی ظاهرگرا به آیه مذکور و بدون توجه و بینش عمیق به معانی اصطلاحی شرک و اقسام آن، شرک اصغر را نیز خروج از جرگه اسلام معرفی کرده و از طریق تفسیر به رأی، مشمولین آنرا هم مشرک می‌انگارد. در صورتیکه با التفات به آیات و روایات حتی بسیاری از مومنین نیز گرفتار این نوع از شرک بوده و هستند. بعبارت دیگر شرک خفی، هیچ منافاتی با اصل توحید ندارد. لیکن نسفی می‌گوید: عبارت (و یغفر ما دون ذلک) در آیه شریفه یعنی «ما دون الشرک و ان کان کبیره مع عدم التوبه». (نسفی، ۱۴۱۶ق، ۱/۳۳۶). صاحب المیزان نیز در تفسیر آیه مدنظر می‌نویسد: «این آیه، متوحش کننده اثرات مخرب دنیوی شرک برای شرک ورزندگان است. در واقع، آیه از حیث لفظ، مطلق بوده و مشمول تمام آثار دنیا و عقبی درباره شرک می‌شود. این آثار در آمرزش تمام گناهان، ماسوای شرک (در صورت عدم توبه از شرک)، توسط خداوند عزوجل و حکیم و طبق حکمت وی محقق می‌شود. زیرا عالم هستی

که مملو از رحمت الهی است؛ با بندگی مخلوقات و ربوبیت خداوند بنیانگذاری شده است. و آن هم با شرک منافات دارد. اما راه آمرزش سایر گناهان از دو راه امکان پذیر است: اول توبه. دوم شفاعت کنندگان مأذون من الله. مانند: اولیای الهی. و نیز بواسطه اعمال صالحه خود گنهکاران. در نتیجه معنای آیه این است؛ که خدا شرک را از هیچ منکری (کافر) نخواهد، بخشید. اما سیئات دون و کمتر از آنرا بواسطه شفاعت شفیعان و نیز بوسیله کردار صالح بندگان، بر اساس اقتضای حکمت می آمرزد. (طباطبائی، ۱۳۹۰، ۴/۳۷۴-۳۷۰). از طرفی کلمه (ما) در جمله (و یغفر ما دون ذلک) در آیه، اسم موصوله و مفعول به فعل (یغفر) می باشد. مع ذلک کاربرد کلمه «دون» ظرف مکان و منصوب است. که متعلق آن به صله محذوف موصول (ما)، همان (ذنوب) دلالت می کند. از این رو واژه «دون» به اسم اشاره (ذلک) اضافه شده که این از نوع اضافه معنوی می باشد. (صافی، ۱۴۱۸، ۵/۵۷).

۳-۱-۳. گونه سوم: لفظ «دون» اضافه شده به الفاظ مختلف بسبب تأثیر متعلق آن :

در این نوع از اضافه کلمه «دون»، این واژه در معانی متعددی بکار می رود. مانند: (اذکر): (الاعراف: ۲۰۵). (زودتر): (السجده: ۲۱). (عمل): (الانبیاء: ۸۲). (یغفر): (النساء: ۱۱۶). (خالصه): (الاحزاب: ۵۰). در گونه سوم از مضاف الیه کلمه «دون» متعلق این لفظ، بسته به سیاق آیه، و ایفای نقش گوناگون خود در جمله، معانی متنوعی را در بر می گیرد. برخی از آن چون موارد ذیل است:

۳. ب. ۳- گونه سوم: لفظ «دون»، اضافه شده به متعلق های گوناگون:

الف). متعلق لفظ «دون» در معنای (اذکر) :

یکی از آن موارد عبارت می شود؛ به: «وَاذْكُرْ رَبَّكَ فِي نَفْسِكَ تَضَرُّعًا وَخِيفَةً وَدُونَ الْجَهْرِ مِنَ الْقَوْلِ بِالْغُدُوِّ وَالْآصَالِ وَلَا تَكُنْ مِنَ الْغَافِلِينَ». (الاعراف: ۲۰۵). شنقیطی در تفسیر خود آورده است: منظور آیه از عبارت «(و دون الجهر من القول) فَلَا حَاجَةَ لَكَ إِلَى الْجَهْرِ بِالْدُّعَاءِ». می باشد. (شنقیطی، ۱۴۱۵، ۷/۴). یعنی نیازی به بلند دعا کردن نیست. در کشاف آمده است: منظور از عبارت مذکور در آیه مورد بحث: «و متکلم کلاما دون الجهر لأن الإخفاء أدخل في الإخلاص و اقرب الى حسن التفكير». (زمخشری، ۱۴۰۷، ۲/۱۹۲). یعنی خشوع و پنهان کاری در عبادت، سبب اخلاص و صداقت می شود. و آن به حسن تفکر نزدیک است. ایشان واژه «دون» را در معنای (آهسته) بکار برده اند. زیرا آیه فرمان به عبادت با نهایت تذلل در برابر خدا با صوتی آرام را می دهد. دلیل بر آن هم تناقض و منافات آن ذکر با ادب و منش عبودیت است. انسان با مداومت بر ذکر دل، مشمول اولیای الهی شده و بلحاظ حضور بدون غیبت در آستان الهی، از بندگان مقرب درگاه خداوند محسوب می شود. مانند بندگان برگزیده الهی. (طباطبائی، ۱۳۹۰، ۸/۳۸۲-۳۸۳). و اما اضافه معنوی واژه «دون» در نقش «هو» مضاف را به لفظ «جهر» اضافه کرده است. مع ذلک ظرفی منصوب، متعلق به حال معطوفه

محذوف بر حال اولی یا عطف بر واژه «تضرعا» است. از سویی متعلق عبارت «مِنَ الْقَوْلِ» همان حال از کلمه «جهر» یعنی (دون الجهر کائنا من القول) می‌باشد. (صافی، ۱۴۱۸ق، ۱۶۴/۹-۱۶۳). این متعلقات در کلمه «دون» از اعتبار ویژه‌ای برخوردارند. که بسبب آنها این واژه، معانی متفاوتی را بر خود برمی‌گزیند.

ب). متعلق لفظ «دون» در معنای (زودتر) :

«وَلَنُذِيقَنَّهُمْ مِّنَ الْعَذَابِ الْأَدْنَى دُونَ الْعَذَابِ الْأَكْبَرِ لَعَلَّهُمْ يَرْجِعُونَ». (السجده: ۲۱). بنقل از ابن جوزی («دون العذاب الاکبر» ای: قبل العذاب الاکبر). (ابن جوزی، ۱۴۲۲ق، ۴۴۲/۳). فخر رازی می‌گوید: عذاب آخرت همان عذاب اکبر است. (فخر رازی، ۱۴۲۰، ۱۴۸/۲۵-۱۴۹). مضمون سخن شوکانی و طبرسی هم با نقل قول از روایات متعدد، و نیز با بسط کلام در وصف عذابین، بسان نظر فخر رازی می‌باشد. (شوکانی، ۱۴۱۴ق، ۲۹۵/۴). (طبرسی، ۱۴۱۲، ۲۹۳/۳). علیهذا مضمون سخن علماء همه مذاهب در این راستا یکسان بوده است. و کلمه «دون» در این آیه، طبق سیاق در معنای «زودتر» کاربرد دارد. نه در معنای «غیر». متعلق عبارت «دون العذاب» کلمه «نذیقنهم» است. و واژه «دون» هم ظرفی با اعراب منصوب است؛ متعلق به همان فعل، و از نوع اضافه معنوی. (اضافه شده به لفظ عذاب). در واقع، چشاندن عذاب دنیوی، همان متعلق کلمه «دون: زودتر» است.

نتیجه

کلمه «دون» در علم لغت، بیست معنا را به خود اختصاص داده است. و آن عبارتند از: (عند و لدن)، (قرب و بُعد)، (خُذْ)، (أمر)، (وعید)، (در کنار چیزی)، (فوق)، (تحت)، (پایین)، (آمام)، (شریف)، (بدون)، (کمتر)، (قبل)، (غیریت)، (بی‌ارزشتر)، (إلا)، (لا و نه). و در قرآن کریم دارای معانی گوناگونی است. من جمله: (آهسته و آرام)، (زودتر)، (بعضی و پاره‌ای)، (دیگر و طرف دیگری)، (من غیر الله)، (من قَبْلَ الله)، (عبادت)، (ولایت)، (شفاعت)، (توسل و استغاثه)، (عمل و اقدام) و... . لذا تا معنای واژه «دون» در جمله یا آیه، به همراه نوع مضاف‌إلیه و نیز متعلق آن تعیین نگردد؛ پی بردن به ترجمه قید «من دون الله» در آیات، امری عبث است. شایان ذکر اینکه هر «من دون الله» در معنای «من غیر الله» استعمال نمی‌گردد. از این رو طبق قواعد نحوی و با التفات به مباحث علوم قرآنی آیات، این ترکیب قرآنی «من دون الله»، مشمول همه خلافت نمی‌شود. بلکه در این میان استثنائاتی نیز وجود دارد. در کلام الهی مصادیق «من دون الله» در معنای (من غیر الله) صرفاً صدق بر ارباب الاصنام می‌کند. نه رسولان و اوصیای الهی. زیرا عابدین اصلح، واسطه فیض الهی در بین خدا و امتند. تا اُمم با استمساک به دامن آن مقربین الی الله، به سوی خدا تقرب جسته و رفع حوائج شوند. نکته مهم اینکه آنچه در کیفیت و کمیت و نیز در معنای نسبی این کلمه تأثیرگذار است؛ همان سیاق و بافت

کلام در آیه می‌باشد. که سبب اتخاذ معنای تسفل و یا تقرب در رتبه را می‌رساند. در قرآن برای کلمه «دون»، سه نوع مضاف‌إلیه بکار رفته است. و آن عبارتند از: الف) کلمه «دون» اضافه به لفظ جلاله (الله) می‌شود. ب) وقتی واژه «دون» اضافه به کلمه یا ضمیری که واصل همین معناست؛ بشود. ج) گاهی کلمه «دون» اضافه به متعلق‌های مختلفی می‌گردد. ایضا ترکیب «من دون الله» در قرآن دارای اقسام و معانی و مصادیق فراوانی است. تشخیص آن نیز با تعیین نقش واژه «دون» در جمله میسر است. کماکان واژه «دون» در جمله می‌تواند بعنوان نقش‌های گوناگونی ظاهر شود. از جمله: اسم، حرف، و گاهی نیز بعنوان اسم‌فعل در جمله واقع می‌شود. این کلمه از حیث علم نحو، نقشهای متفاوتی را در جمله بر خود اتخاذ می‌کند، و بر اساس آن تعیین معنا می‌شود. بدین روش عبارت «من دون الله» در آیه ترجمه می‌شود. از سوی دیگر لفظ «دون» اگر در جمله یا آیه‌ای نقش اسم‌فعل را پذیرا باشد؛ در معنای «دونک: خذ» استعمال می‌گردد. و در صورت حرف واقع شدن، جار و مجرور بوده و بر اساس تشخیص متعلق آن، مصداق «دون» در جمله معین می‌شود. چنانچه این کلمه در جمله بعنوان اسم واقع شود؛ آنگاه جامه ظرف را به تن کرده و در صورت منصوب بودن این لفظ ظرفی، نقش نعت را بر خود برمی‌گزیند این کلمه چنانچه مجرور گردد؛ مضاف شده سپس بوسیله متعلق و مضاف‌إلیه خود مجرور می‌شود. همچنین گاهی نیز در نقش استثنا کاربرد دارد. طبق استنتاج از آراء دانشمندان، می‌توان دریافت؛ که همه این عوامل تأثیر بسزایی در تعیین و انتخاب معنای ترکیب «من دون الله» دارد. علیهذا بسبب عدم تعمق وهابیون در مباحث قرآنی و علوم قرآنی، می‌توان بر آراء افراطی آنان در این امر خط بطلان کشید. زیرا آنان با پیروی از متشابهات و بدون توجه به سیاق آیات، آیه‌ها را بر معنای ظاهری آن حمل کرده در نتیجه حکم به تکفیر سایر مسلمین بجز تابعان خود را صادر می‌کنند. که این امر در آیات قرآن و طبق شریعت دینی، باطل است. چون از دید زوایای قرآنی، مشرک آن کسی است؛ که برای خدا در الوهیت و ربوبیت شریک قائل باشد. این عمل نیز با عقاید مسلمانان درباره اقدام به توسل به مآذون من الله کاملاً متفاوت و با یکدیگر منافات دارد. از این رو عالمان وهابی در معرفت نسبت به توحید ربوبی و نیز توحید عبادی، دچار خلط و اشتباه شده‌اند.

منابع

۱. علاوه بر قرآن الکریم،
۲. ابن تیمیة الحرانی، احمد بن عبدالحلیم (بی‌تا)، التفسیر الکبیر، محقق عبدالرحمن بن عمیر، بیروت، دارالکتب العلمیه، بی‌چا.

۳. ابن تیمیّه الحرانی، احمد (۱۴۰۴ق)، *دقائق التفسیر الجامع لتفسیر ابن تیمیّه*، محقق محمد السید الجلیلند، چاپ دوم، الدمشق، مؤسسه علوم القرآن، بی‌جا.
۴. ابن جوزی، عبدالرحمن بن علی (۱۴۲۲ق)، *زاد المسیر فی علم التفسیر*، بیروت، دار الکتاب العربی. ط الاولی.
۵. ابن عبدالوهاب التیمی، محمد (بی‌تا)، *تفسیر آیات من القرآن الکریم «مؤلفات الجزء الخامس»*، محقق محمد بلتاجی، ریاض، جمعه الامام محمد بن سعود، بی‌جا.
۶. ابن عبدالوهاب التیمی، محمد (۱۴۱۸ق)، *کشف الشبهات*، ریاض، وزارة الشؤون الاسلامیة و الاوقاف و الدعوة و الارشاد، بی‌جا.
۷. ابن کثیر، اسماعیل بن عمر (۱۴۱۹ق)، *تفسیر القرآن العظیم «تفسیر ابن کثیر»*، محقق محمد حسین شمس الدین، بیروت، دارالکتب العلمیة، ط الاولی.
۸. ابن منظور، محمد بن مکرم (۱۴۱۴ق)، *لسان العرب*، بیروت، دار صادر، ط الثالثة.
۹. ابن هشام الانصاری، ابی محمد عبدالله (بی‌تا)، *مغنی اللیب عن کتب الاعاریب*، محقق محمد محی‌الدین عبدالحمید، قاهره، چاپ مدنی، بی‌جا.
۱۰. الألبانی، محمد (۱۴۲۱ق، ۲۰۰۱م)، *التوسل انواعه و احکامه*، محقق محمد عید العباسی، ریاض، مکتبه المعارف للنشر و التوزیع، ط الاولی.
۱۱. ابوالسعود، محمد بن محمد (۱۹۸۳م)، *تفسیر ابی السعود «ارشاد العقل السليم الى مزايا القرآن الکریم»*، بیروت، دار احیاء التراث العربی، ط الاولی.
۱۲. الازهری الهروی، محمد بن احمد (۲۰۰۱م)، *تهذیب اللغة*، محقق عوض المرعب، بیروت، داراحیاء التراث العربی، ط الاولی.
۱۳. الجکنی الشنقیطی، محمدالامین (۱۴۱۵ق، ۱۹۹۵م)، *أضواء البیان فی إیضاح القرآن بالقرآن*، سرپرست بکرین عبدالله، بیروت، دار الفكر للطباعة، بی‌جا.
۱۴. البغوی، حسین بن مسعود (۱۴۲۰ق)، *تفسیر البغوی «معالم التنزیل»*، محقق مهدی عبدالرزاق، بیروت، دار احیاء التراث العربی، ط الاولی.
۱۵. البیضاوی، عبدالله بن عمر (۱۴۱۸ق)، *انوار التنزیل و اسرار التأویل «تفسیر البیضاوی»*، بیروت، دار احیاء التراث العربی، ط الاولی.
۱۶. الثعلبی، احمد بن محمد (۱۴۲۲ق)، *تفسیر الکشف و البیان عن تفسیر القرآن «تفسیر الثعلبی»*، محقق ابی محمد ابن عاشور، تدقیق نظیر صادقی، بیروت، دار احیاء التراث العربی، ط الاولی.

١٧. الخطيب، ظاهر يوسف (بي تا)، *المعجم المفصل في الاعراب*، محقق يعقوب اميل، بيروت، دارالكتب العلميه، ط الرابعة.
١٨. الدرويش، محي الدين (١٤١٥ق)، *اعراب القرآن الكريم و بيانه*، حمص، داراليمامة، ط الرابعة.
١٩. الدعاس، احمد عبيد (١٤٢٥ق)، *اعراب القرآن الكريم*، دمشق، دارالفارابي للمعارف، ط الاولى.
٢٠. الدقر، عبدالعلي بن علي (١٤٠٦ق، ١٩٨٦م)، *معجم القواعد العربيّة*، دمشق، دارالقلم، ط الاولى.
٢١. راغب اصفهاني، حسين بن محمد (١٤١٢ق)، *مفردات الفاظ القرآن*، بيروت، دارالشاميه، ط الاولى.
٢٢. الرشيدرضا، محمد (١٤١٤ق)، *تفسير القرآن الحكيم «تفسير المنار»*، بيروت، دارالمعرفه، ط الاولى.
٢٣. الزمخشري، محمد بن عمر (١٤٠٧ق)، *الكشاف عن حقائق غوامض التنزيل و عيون الاقاويل في وجوه التأويل*، مصحح مصطفى حسين احمد، بيروت، دارالكتب العربي، ط الثالثة.
٢٤. السبحاني التبريزي، جعفر (١٤٢٧ق، ١٣٨٥ش)، *الوهابية في الميزان*، قم، موسسه الامام الصادق (ع)، ط الاولى.
٢٥. السبحاني التبريزي، جعفر (١٤٠٦ق)، *مع الوهابيين في خططهم و عقائدهم*، تهران، موسسه الفكر الاسلامي، ط الاولى.
٢٦. السبحاني التبريزي، جعفر (بي تا)، *منشور جاويد*، قم، موسسه الامام الصادق (ع)، بي چا.
٢٧. السعادي، قادر (١٣٩٦ش)، *تقابل توحيد محمد بن عبد الوهاب با توحيد قرآني، تحقيقات كلامي*، دوره ٥، شماره ١٥، قم، انجمن كلام اسلامي حوزه، صص ٩٦-٩٠.
٢٨. السيوطي، عبدالرحمن بن ابي بكر (١٤٠٤ق)، *الدر المنثور في التفسير بالمأثور*، قم، كتابخانه عمومي حضرت آيه الله العظمى مرعشي نجفي، ط الاولى.
٢٩. الشاذلي قطب، ابراهيم حسين (١٤٣٥ق)، *في ظلال القرآن*، بيروت، دارالشروق، ط الخامسة و الثلاثون.
٣٠. الشوكاني اليمني، محمد بن علي (١٤١٤ق)، *فتح القدير*، دمشق، دار ابن كثير، بيروت، دارالكلم الطيب، ط الاولى.
٣١. الصافي، محمود (١٤١٨ق)، *الجدول في اعراب القرآن و صرفه و بيانه مع قوائد نحويه هامة*، دمشق، دار الرشيد، ط الرابعة.
٣٢. الصبحي، صالح (١٣٧٤ش)، *نهج البلاغه*، قم، مركز البحوث الاسلاميه، ط الاولى.

۳۳. الطباطبائی، محمد حسین (۱۳۹۰ق)، *المیزان فی تفسیر القرآن*، بیروت، موسسه الاعلمی للمطبوعات، ط الثالثة.
۳۴. الطبرسی، فضل بن حسن (۱۴۱۲ق)، *تفسیر جوامع الجامع*، مصحح ابوالقاسم گرجی، قم، حوزه علمیه قم مرکز مدیریت، ط الاولى.
۳۵. الطنطاوی، محمد سید (۱۹۹۵م)، *معجم أعراب الفاظ القرآن الکریم*، راجعه محمد فهیم ابوعبیه، بیروت، مکتبه لبنان ناشرون، ط الاولى.
۳۶. الطوسی، محمد بن حسن (بی تا)، *التبیان فی تفسیر القرآن*، مصحح احمد حبیب عاملی، بیروت، دار احیاء التراث العربی، ط الاولى.
۳۷. العلوان، عبدالله بن ناصح (۱۴۲۷ق)، *اعراب القرآن الکریم «علوان»*، طنطا، دارالصحابه للتراث، ط الاولى.
۳۸. العلوی، ابراهیم (۱۳۷۶ش)، استعانت جز از خدا در پرتو تفسیر آیه الله مصطفی خمینی، *بینات*، دوره ۳، شماره: ۱۵، قم، موسسه معارف اسلامی امام رضا(ع)، صص ۲۵-۲۴.
۳۹. الفخررازی، محمد بن عمر (۱۹۸۶م)، *الاربعین فی اصول الدین*، محقق احمد حجازی السقا، قاهره-الازهر، دارالتضامن بالقاهره، بی چا.
۴۰. الفخررازی، محمد بن عمر (۱۴۲۰ق)، *التفسیر الکبیر «مفاتیح الغیب»*، بیروت، دار احیاء التراث العربی، ط الثالثة.
۴۱. الکاشانی، محمد بن مرتضی (۱۴۱۵ق)، *تفسیر الصافی*، تهران، مکتبه الصدر، ط الثالثة.
۴۲. الکفعمی العاملی، ابراهیم بن علی (بی تا)، *البلد الامین و الدرع الحصین*، بیروت، موسسه الاعلمی للمطبوعات، ط الاولى.
۴۳. الکلینی، محمد بن یعقوب (۱۳۷۵ش)، *اصول الکافی*، ترجمه محمدباقر کمره‌ای، قم، اسوه، ط الثالثة.
۴۴. النسفی، عبدالرحمن بن احمد (۱۴۱۶ق)، *تفسیر النسفی مدارک التنزیل و حقائق التأویل*، بیروت، دارالنفاس، ط الاولى.
۴۵. آلوسی البغدادی، محمود بن عبدالله (۱۴۱۵ق)، *روح المعانی فی تفسیر القرآن العظیم و السبع المثانی*، محقق علی عبدالباری عطیه، بیروت، دارالکتب العلمیه، ط الاولى.
۴۶. اسدی گرمارودی، محمد (۱۳۹۵ش)، نقد تفسیر وهابیان از آیات «من دون الله»، *مطالعات تفسیری*، سال ۷، شماره ۲۵، قم، دانشگاه معارف اسلامی، ص ۳۹.

۴۷. رهنما، رضا، پارچه‌باف دولتی، محمد (۱۳۹۷ش)، بررسی معنای عبارت «من دون الله» و نقد ترجمه‌های فارسی معاصر قرآن کریم، *مطالعات ترجمه قرآن و حدیث*، دوره ۵، شماره: ۱۰، تهران: دانشگاه تربیت مدرس. صص ۹۷-۹۳.

۴۸. مصباح یزدی، محمدتقی (۱۳۹۰ش)، *به سوی تو*، تدوین کریم سبحانی، قم، موسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی (ره)، ط الثالثه.

۴۹. مطهری، مرتضی (۱۳۹۵ش)، *جهان‌بینی توحیدی*، تهران، بنیاد علمی و فرهنگی استاد شهید مطهری، ط الثلاثون.

۵۰. ملک آبادی، فاطمه گلی، خاقانی اصفهانی، محمد؛ شکرانی، رضا (۱۳۹۶ش)، نقدی معناساختی بر ترجمه‌های فارسی واژه "دون" در قرآن کریم، *جستارهای زبانی*، دوره ۸، شماره: ۳۶، تهران: دانشگاه تربیت مدرس، صص ۲۲۳-۲۱۴.

51. (bina ، bina ، (2023/17/10) PM ، «The meaning of (doon Allah) in the Qur'an» ، [https:// www.alwahabiyah.com](https://www.alwahabiyah.com)